

High Quality Education Model in Dense Student Classrooms: A Grounded Theory Approach

Nahid Ajourloo*

Behboud Yarigholi**

Gholamreza Golmohammad Nezhad Bahrami***

Introduction

The current research was conducted with the aim of presenting a high-quality education model in dense classes of elementary school students in Qazvin city.

Method

To achieve the research goal, a systematic qualitative approach and grounded theory method have been used. In order to collect data, semi-structured interviews and document review were used, and for sampling, a mixed purposeful sampling method (combination of theoretical sampling, snowball, and criterion sampling) was used. The participants of the research were expert professors of this field, managers and teachers of the first and second elementary years, managers and experts responsible for the first and second elementary years of the General Department of Education of Qazvin province and districts one and two, heads of educational groups and leaders. Sampling and semi-structured interviews continued until data analysis and exploration reached theoretical saturation after 19 interviews. In order to ensure the reliability of the research, strategies of review by expert professors and review by participants have been used.

* Master's degree in Educational Research, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.

** Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.
Corresponding Author: Behboud.yarigholi@yahoo.com

*** Associate Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran.

Results

Finally, based on the research results, 23 main categories were identified. The transformation of the classroom into a moral learning community was recognized as a central phenomenon. Other categories were grouped into 5 main dimensions (causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies and consequences) and the relationships between them were drawn and presented in the form of a paradigm model.

Discussion

According to the findings, the central concept of the moral learning community and the capacity of social education was raised through the mutual communication of the main actors, who are in a dynamic relationship with each other, and high-quality education requires understanding their combined and separate effects.

Keywords: High quality of education, Student density, Class size.

Author Contributions: Author 1, was responsible for leading the overall research process. Author 2 was responsible for designing, collecting and analyzing the data. Author 3 was the research consultant. Finally all the authors reviewed the results, reviewed and approved the final version of the article.

Acknowledgments: The present study would not have been possible without the cooperation of the participants; we would like to thank all the participants.

Conflicts of interest: The authors acknowledge that there is no conflict of interest in this article.

Funding: This research is not sponsored by any institution and all costs have been borne by the authors.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

بهار و تابستان ۱۴۰۴، دوره‌ی ششم، سال ۳۲

شماره‌ی ۱، صص: ۷۰-۴۷

مقاله پژوهشی

الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم: نظریه‌ای داده بنیاد

ناهید آجورلو*

بهبود یاری‌قلی**

غلامرضا گل محمدنژاد بهرامی***

چکیده

پژوهش حاضر باهدف ارائه الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزان ابتدایی شهر قزوین انجام شد. بدین منظور از رویکرد کیفی و روش نظریه‌مبنایی از نوع سیستماتیک استفاده شده است. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته و بررسی اسناد و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند آمیخته (ترکیبی از نمونه‌گیری نظری، گلوله برفی و ملاک مدار) بهره گرفته شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش، اساتید صاحب‌نظر این حوزه، مدیران و معلمان دوره اول و دوم ابتدایی، مدیران و کارشناسان مسئول دوره اول و دوم ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان قزوین و نواحی یک و دو، سرگروه‌ها و راهبران آموزشی بودند. نمونه‌گیری و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته تا زمانی ادامه یافت که تجزیه و تحلیل و اکتشاف داده‌ها پس از ۱۹ مصاحبه به اشباع نظری رسید. جهت اطمینان‌پذیری پژوهش از راهبردهای بررسی توسط اساتید متخصص و بررسی توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شده است. درنهایت ۲۳ مقوله اصلی شناسایی شدند. تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی به‌عنوان پدیده محوری شناخته شد. سایر مقوله‌ها در ۵ بُعد اصلی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) دسته‌بندی شدند و روابط بین آن‌ها در قالب مدل پارادایمی ترسیم و ارائه شد. با توجه به یافته‌ها، مفهوم محوری اجتماع یادگیری اخلاقی و ظرفیت آموزش اجتماعی از طریق ارتباطات متقابل کنشگران اصلی مطرح شد که در رابطه‌ای پویا با یکدیگر می‌باشند و آموزش باکیفیت مستلزم درک تأثیرات توأمان و مجزای آن‌ها است.

واژه‌های کلیدی: آموزش باکیفیت، تراکم دانش‌آموزان، اندازه کلاس.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

** دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Behboud.yarigholi@yahoo.com

*** دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

مقدمه

نهاد آموزش و پرورش از مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی هر جامعه محسوب می‌شود و به‌عنوان یک‌نهاد اجتماعی که وظیفه تعلیم و تربیت افراد جامعه را بر عهده دارد، می‌تواند با عملکردی مطلوب‌تر تأثیر بسزایی در ایجاد یک نظام اجتماعی موفق و منسجم داشته باشد. به‌طوری‌که کیفیت فعالیت سایر نهادهای اجتماعی نیز تا اندازه زیادی، به چگونگی عملکرد آموزش و پرورش بستگی دارد. از این رو، کیفیت، از جمله دغدغه‌های اصلی نظام آموزش و پرورش در اغلب کشورهای جهان بوده و چهارمین هدف سازمان ملل متحد از اهداف توسعه پایدار سال ۲۰۱۵ برای اولین بار به آموزش با کیفیت به‌عنوان هدف آموزشی مستقل و منحصر به فرد اختصاص داده شده است (Agnihotri, 2017).

کیفیت آموزش، معیاری برای سنجش کارایی یک فرآیند آموزشی است. بهبود کیفیت آموزش می‌تواند به پایان دادن به نابرابری و تحقق عدالت آموزشی کمک کند. آموزش با کیفیت افراد را به یک زندگی سالم و پایدار و در نتیجه تشکیل جامعه‌ای آرام و بهتر هدایت می‌کند. کیفیت آموزش با عوامل مختلفی که در آن نقش دارند، در ارتباط است؛ بنابراین آنچه در یک کلاس روی می‌دهد تابع عوامل آموزشی مختلف؛ معلم، فراگیر، محتوای آموزشی، فضای آموزشی، وسایل آموزشی و ... می‌باشد که در بروز چگونگی فعالیت‌ها و عملکرد تحصیلی فراگیران مؤثر است. گرچه عملکرد تحصیلی مطلوب فراگیران به مجموعه عوامل مختلف دیگری همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، شرایط فرهنگی و سیاسی و تفاوت‌های فردی افراد بستگی دارد که هرکدام تحت شرایط و موقعیت‌های خاصی می‌تواند در بهبود کیفیت فرآیند آموزشی نقش مثبت و یا منفی داشته باشد. در این میان جمعیت مناسب کلاس و شیوه سازمان‌دهی دانش‌آموزان مسئله‌ای است که در تمامی کشورها به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در کیفیت آموزش در کنار سایر عوامل دیگر مورد توجه قرار گرفته و موجب بروز نظرات مختلفی شده است.

تعداد دانش‌آموزانی که به یک معلم اختصاص داده می‌شوند، مهم است (Blatchford et al., 2009). اندازه کلاس (شمار دانش‌آموزان در کلاس) یک موضوع مورد بحث برای دانش‌آموزان و مربیان است زیرا تصور می‌شود بر موفقیت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد (Maringe & Sing, 2014). تا جایی که برخی معلمان تراکم زیاد دانش‌آموزان در کلاس درس

را یکی از عوامل کاهش کیفیت در آموزش و یادگیری اظهار می‌دارند و عده‌ای دیگر معتقدند افزایش اندک تعداد دانش‌آموزان، تأثیر منفی بر یادگیری نمی‌گذارد بلکه حتی ممکن است با ایجاد جو رقابت بیشتر میان آن‌ها، کیفیت تحصیلی را نیز بهبود دهد؛ اما آنچه مهم است اینکه شرایط و عوامل مختلفی از جمله تخصیص معلم به مناطق دورافتاده و روستایی (یک معلم برای یک یا دو دانش‌آموز در یک کلاس)، تراکم نقطه‌ای در شهرها، کمبود فضای آموزشی، کمبود نیروی انسانی و ... موجب تشکیل کلاس‌های تراکم شده‌اند. درواقع در جهت تحت پوشش قرار دادن تمام کودکان لازم‌التعلیم و آموزش پایه همگانی همراه با رشد جمعیت است. بنابراین آموزش باکیفیت، در چنین کلاس‌هایی آن‌هم در دوره ابتدایی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند نقش مهمی در عملکرد دانش‌آموزان در سال‌های تحصیلی آینده داشته باشد.

آموزش باکیفیت در دوره ابتدایی عاملی کلیدی در تعیین موفقیت آینده کودکان است؛ زیرا آموزش ابتدایی، پایه کلیه آموزش‌های رسمی است و شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد در این دوره بیشتر صورت می‌گیرد؛ از این رو باید با دقت و توجه بسیاری انجام شود.

در همین راستا هدف تمامی نظام‌های آموزشی، برپا کردن مدارس خوب و باکیفیت است. خانواده‌ها و مسئولان نظام آموزش و پرورش همواره سعی دارند تا شرایط و بستر پیشرفت تحصیلی کودکان و نوجوانان را فراهم کنند و موانع موجود در این راه را از میان بردارند. امروزه کاهش اندازه کلاس تبدیل به یکی از رایج‌ترین راهبردهای اصلاح آموزشی در اقصاد نقاط دنیا شده است (Mehrbaani, 2018). یک بررسی جامع از ۱۱۲ مقاله از سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۴ ارزیابی می‌کند که آیا نتایج در مورد تأثیر اندازه‌های کلاس‌های کوچک‌تر هنوز پابرجا هستند یا خیر. این بررسی از طیف وسیع‌تری از مطالعات، که از تحقیقات استرالیا شروع می‌شود، استفاده می‌کند، اما همچنین شامل سیستم‌های آموزشی مشابه مانند انگلستان، کانادا، نیوزیلند و کشورهای غیر انگلیسی زبان اروپا می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که اندازه کلاس‌های کوچک‌تر در چهار سال اول مدرسه می‌تواند تأثیر مهم و ماندگاری بر پیشرفت دانش‌آموزان داشته باشد، به‌ویژه برای کودکان جوامعی که از نظر فرهنگی، زبانی و اقتصادی محروم هستند (Zyngier, 2014). برای مثال، رضوان حکیم زاده معاون سابق آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، در مصاحبه با برنامه صبح و گفت‌وگو اظهار کرد: «بر اساس مصوبه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس دوره ابتدایی

مشخص شده است که براین اساس تراکم مطلوب ۲۰ نفر و حداکثر تراکم ۲۶ نفر است و با توجه به اهمیت این موضوع تأکید شده در هیچ شرایطی جمعیت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس دوره ابتدایی بالای ۲۶ نفر نباشد. این در حالی است که ۶۰ درصد جمعیت دانش‌آموزی دوره ابتدایی در کلاس‌های با تراکم بالای ۲۶ نفر حضور دارند و این موضوع مورد غفلت قرار گرفته و نتیجه آن کمبود حاد معلم و افزایش تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس مناطق شهری و حاشیه شهرها شده است. آموزش و پرورش در حال پیگیری این مهم به منظور کیفی سازی دوره دبستان و ارتقای کیفیت مدارس ابتدایی است و مسئله تراکم در این کیفیت بسیار اهمیت دارد (Hakimzadeh, 2019). بنابراین از میان منابع مدرسه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها شمار دانش‌آموزان حاضر در کلاس است که در اصلاحات آموزشی مورد توجه قرار گرفته است.

ازدحام بیش‌ازحد در کلاس‌های درس یک مسئله بین‌المللی است که مانع از فرآیند آموزش و یادگیری کارآمد می‌شود (Hachem & Mayor, 2019). معلمان در سراسر جهان، در مدیریت کلاس‌های درس پرجمعیت مشکل دارند (UNESCO Institute for Statistics, 2020) و چالش‌هایی در کلاس‌های شلوغ سراسر جهان گزارش شده است. به عنوان مثال، ازدحام بیش از حد یکی از مهم‌ترین نگرانی‌هایی است که امروزه در ایالات متحده، بریتانیا، ایرلند و چین با آن مواجه هستند (Hachem & Mayor, 2019; Donnelly, 2019; China, 2018; China, 2016).

اگرچه تدابیری برای کاهش ازدحام بیش‌ازحد مدارس در نظر گرفته شده است، اما به‌خوبی اجرا نمی‌شوند و به گفته مسئولان آموزش ابتدایی استان قزوین بنابه دلایل مختلفی شاهد انحراف نسبت به استاندارد تراکم دانش‌آموزان هستیم و در این استان نیز در نواحی یک و دو شهر قزوین و شهرستان البرز تراکم کلاس‌ها بیشتر از حالت عادی است و به ۴۰-۴۱ نفر رسیده است. حال معلمان با وظایف بسیاری روبرو هستند، زیرا آن‌ها مسئول آموزش، یادگیری و مدیریت کلاس درس به‌طور هم‌زمان می‌باشند.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش مؤید این مسئله است که آموزش باکیفیت یکی از موضوعاتی است که در بسیاری از نقاط جهان در مورد آن بحث می‌شود. آموزش باکیفیت آموزشی است که بر کل کودک متمرکز باشد (رشد اجتماعی، عاطفی، ذهنی، جسمی و

شناختی هر دانش‌آموز صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، قومیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی یا موقعیت جغرافیایی) و کودک را برای زندگی آماده می‌کند، نه فقط برای آزمایش (Agnihotri, 2017). (Shirbagi and Saraydar (2022) اظهار داشتند که بی‌عدالتی در توزیع منابع مالی و انسانی در آموزش و پرورش، میزان مشارکت والدین و معیارهای انتخاب مدرسه به تشکیل کلاس‌های پر ازدحام می‌انجامد. نتایج همچنین گویای آن بودند که معلمان در کلاس‌های پر ازدحام در زمینه‌ی یاددهی به شیوه مهیج و فعال، برقراری نظم و انضباط، سنجش و ارزشیابی آموخته‌های فراگیران با چالش روبرو شده‌اند. (Mehrbani (2018 بیان نمودند که تراکم دانش‌آموزان در کلاس اثری معنی‌دار بر معدل نمره‌ها و نمره ریاضی آن‌ها ندارد. در مقابل، منابع خانواده اثری مهم بر کیفیت تحصیلی فرزندان می‌گذارد.

پژوهش (Osai et al. (2021 نشان داد که ادراک مربیان از کلاس‌های پرجمعیت استرس‌زا است. (Obaydullah and Shahnewaz (2020 نتیجه گرفتند که کلاس‌های بزرگ از نظر کیفیت تدریس تحت تأثیر چندین موضوع قرار می‌گیرند. نسبت بالای دانش‌آموز به معلم، ناکافی بودن کلاس درس، کمبود تجهیزات مدرن، عدم آموزش مدیریت کلاس معلمان، حجم کاری زیاد معلم، عدم انتخاب مناسب وسایل کمک آموزشی و استفاده مؤثر از این وسایل کمک آموزشی بیشترین تأثیر را داشته است. (Maloney (2020 نشان می‌دهد که این تصور در بین دانش‌آموزان، والدین و معلمان وجود دارد که تعداد دانش‌آموزان کمتر منجر به پیشرفت تحصیلی بالاتر می‌شود. (West and Meier (2020 نتیجه می‌گیرند که تلاش ترکیبی بین همه کنشگران اصلی، مانند تیم‌های مدیریت یک مدرسه و معلمان، می‌تواند به معلمان در مقابله با چالش‌های ناشی از ازدحام بیش از حد کمک کند. (Filges et al. (2018 نشان می‌دهند که کلاس‌های کم‌جمعیت بر پیشرفت خواندن تأثیر اندکی دارند. تأثیر بر پیشرفت ریاضی منفی و از نظر آماری معنی‌دار نبود. (Jepsen (2015 تأثیر جمعیت کلاس را بسیار ناچیز می‌داند و معتقد است سایر سیاست‌های آموزشی، مانند تدریس خصوصی، برنامه‌های دوران کودکی و بهبود عملکرد معلم، راهکارهای مؤثرتری برای افزایش موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان هستند. مطابق آنچه گذشت تا همین اواخر، بسیاری از بحث‌ها در مورد کیفیت آموزشی بر ورودی‌های سیستم، مانند زیرساخت‌ها و نسبت دانش‌آموز به معلم، تراکم جمعیت کلاس درس و محتوای درسی متمرکز بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به

فرآیندهای آموزشی شده، اینکه چگونه معلمان و مدیران از ورودی‌ها برای چارچوب‌بندی تجربیات یادگیری معنادار برای دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. کار آن‌ها عاملی کلیدی در تضمین کیفیت فرآیندهای مدرسه است و معلمان در قلب آموزش با کیفیت هستند؛ بنابراین فراهم کردن ابزارهایی برای نظارت بر پیچیدگی‌های تدریس در کلاس‌های متراکم و ارائه راه‌حل‌های عملیاتی برای به دست آوردن بهترین وضعیت، گامی اساسی برای درک آموزش با کیفیت برای همه است.

لذا با توجه به اهمیت موضوع و اینکه اندک مطالعات انجام‌شده در کشورمان نیز کمی می‌باشند و نقطه نظرات شرکت‌کنندگان از طریق مطالعات کیفی به دست نیامده است، قصد داریم در راستای این پژوهش با شناسایی مؤلفه‌های آموزش با کیفیت از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، مدیران، معلمان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت در کلاس درس الگویی برای آموزش با کیفیت در کلاس‌های متراکم جهت بهبود فعالیت‌های کلاس ارائه دهیم و فعالیت‌های کلاس را جهت کیفیت تحقق پایدار سامان بخشیم. بر این اساس سؤال پژوهش حاضر این است که الگوی آموزش با کیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی شهر قزوین چگونه است و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن کدام‌اند؟ در همین راستا، سعی داریم الگویی بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از تحلیل و کدگذاری داده‌ها ارائه دهیم و با کمک آن بر چالش‌های احتمالی فائق آییم تا بهبود کیفی روند آموزشی با موانع مواجهه نگردد و دانش‌آموزان یادگیری مناسب‌تری داشته باشند.

روش

در پژوهش حاضر از منظر روش پژوهشی با توجه به نوع و ماهیت مسئله، اهداف و سؤال پژوهش، رویکرد کیفی انتخاب‌شده و با استفاده از روش نظریه مبنایی و با تکیه بر «رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین» انجام‌شده است. با توجه به اینکه نظریه مبنایی با احتمال بیشتری می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد و می‌تواند با ایجاد بصیرت و ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشد و علاوه بر این به دلیل آن‌که دانسته‌های قبلی به‌خوبی صورت‌بندی نشده و فاقد کفایت تبیینی هستند، نظریه مبنایی به‌عنوان روش پژوهش برای دستیابی هرچه بهتر به هدف پژوهش برگزیده‌شده است تا بتوانیم نظریه‌ای برگرفته از داده‌ها ارائه نماییم.

جهت گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختاریافته و بررسی مستندات از جمله مجلات رشد آموزش ابتدایی و رشد معلم استفاده شده است. بدین منظور با بررسی ادبیات پژوهش و مشاوره با اساتید و متخصصان این حوزه محورهای مصاحبه طراحی شدند. لازم به ذکر است سؤالات طراحی شده به صورت نیمه ساختاریافته بوده و در صورت لزوم در حین مصاحبه سؤالات دیگری برای تشریح محورهای مصاحبه در نظر گرفته می‌شدند. کلیه مصاحبه‌های صورت گرفته ضبط شده است تا به قابلیت اعتماد و اعتباربخشی پژوهش بیافزاید.

با توجه به هدف پژوهش که ارائه الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر قزوین است، مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز با توجه به مبانی نظری، اساتید صاحب‌نظر این حوزه، یکی از اعضای هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، مدیران و معلمان دوره اول و دوم ابتدایی، رئیس دوره اول و دوم ابتدایی اداره کل آموزش و پرورش استان قزوین، کارشناسان مسئول دوره اول و دوم ابتدایی در نواحی یک و دو قزوین، سرگروه‌ها و راهبران آموزشی می‌باشند.

به جهت آن‌که تمرکز پژوهش بر روی نظریه‌پردازی است، از روش نمونه‌گیری هدفمند آمیخته برای ایجاد تنوع حداکثری از مشارکت‌کنندگان و انعطاف‌پذیری و برآورده شدن نیازها و علایق چندگانه استفاده شده است. نمونه‌گیری هدفمند آمیخته در این پژوهش، ترکیبی از روش‌های نمونه‌گیری نظری، گلوله برفی و ملاک مدار را به خود اختصاص داده است. نمونه‌گیری و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه داشت که تجزیه و تحلیل و اکتشاف داده‌ها به اشباع نظری (توصیف غنی از پدیده شامل تمام ابعاد و ویژگی‌ها) رسید. ملاک برای انتخاب نمونه‌ها بر اساس چندین معیار صورت گرفته است، مصاحبه با افرادی که حداقل مدرک تحصیلی آن‌ها لیسانس بوده و حداقل ۷ سال سابقه خدمت داشته‌اند؛ از میان معلمان و مدیران ناحیه یک و دو قزوین که تراکم کلاسی بیشتر در این نواحی می‌باشد؛ معلمان انتخاب شده‌اند که دغدغه کیفیت داشته و به عنوان معلمان موفق از طرف اداره و مدیران معرفی شده و در کلاس‌های متراکم تجربه تدریس داشته‌اند. راهبران و سرگروه‌های آموزشی نیز به جهت آنکه هم تجربه معلمی دارند و هم با چندین مدرسه و معلم در ارتباط بودند توانستند اطلاعات خوبی در اختیار قرار دهند؛ بنابراین سعی شد در طول مصاحبه‌ها و انتخاب نمونه‌ها، حساسیت و دقت لازم لحاظ شود. اطلاعات مشارکت‌کنندگان پژوهش در فایل تکمیلی ارائه شده است.

تحلیل داده‌ها در نظریه مبنایی طی فرآیندی منظم و مداوم از مقایسه‌ی داده‌ها صورت می‌گیرد؛ بنابراین جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و مفهوم‌پردازی نظری به‌صورت هم‌زمان از آغاز پژوهش انجام شد. طوری که هم‌زمان با انجام مصاحبه‌ها کدگذاری مصاحبه‌ها صورت گرفت تا بتوان بر اساس آن ادامه مصاحبه‌ها را پیش گرفت. محور تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه مبنایی، از طریق کدگذاری سه مرحله‌ای اتفاق می‌افتد و عبارت است از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. در پژوهش حاضر نیز، مطالب به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها کدگذاری شدند تا بتوان اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها را استخراج و دسته‌بندی کرد. همراه با گردآوری داده‌ها و طی فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری، به مضامین اولیه داده‌ها عنوان‌هایی داده و سپس از دل آن‌ها ۸۹۹ مفهوم اولیه، ۳۶ مقوله فرعی و ۲۳ مقوله اصلی به دست آمدند؛ مقولات فرعی متعلق به هر یک از مقولات مشخص‌شده و درنهایت از ارتباط بین مقولات، قضایا و روابط سازمان‌یافته و الگوی مدنظر شکل گرفت.

اعتباریابی مقولات و روابط آن‌ها که درواقع اعتباریابی نظریه است، مهم‌ترین بخش هر فعالیت پژوهشی است. محققان سعی کردند از طریق بازگشت‌های مکرر به داده‌ها، پیش‌نویس نظریه را به‌طور مرتب ویرایش کنند و اصلاح‌های لازم صورت گیرد تا نظریه ظهوریافته از قدرت توضیح‌دهندگی لازم برخوردار باشد. جهت اطمینان‌پذیری پژوهش از استراتژی‌های بررسی توسط اساتید و متخصصان این حوزه و بررسی توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شد. جهت پایایی داده‌ها محقق همه جزئیات را به‌تنهایی ضبط و به متن تبدیل کرده است؛ این موضوع حتی شامل وقفه‌ها و مکث‌ها نیز می‌شود. بعلاوه اینکه چون تمامی مصاحبه‌ها، تحلیل‌ها و کدگذاری‌ها تنها توسط محقق صورت گرفته است می‌توان گفت همسانی وجود دارد و تحقیق پایاست.

یافته‌ها

هدف اصلی از انجام این پژوهش، ارائه الگوی آموزش با کیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزی در چارچوب نظریه مبنایی است. در این راستا داده‌های پژوهش از طریق کدگذاری، مبتنی بر مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین تحلیل‌شده است. در این روش داده‌ها خردشده، مفهوم‌پردازی شده و سپس با روش‌های تازه، دوباره به هم پیوند خورده‌اند تا امکان

رسیدن به نظریه بر اساس داده‌ها را فراهم سازند. لذا ابتدا از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی تحلیل داده‌ها انجام شد و سپس با ارائه‌ی مدل منطقی از نظریه در حال تکوین پایان یافت.

دراثنای مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور یافتند و از مقایسه مفاهیم مقوله‌ها عیان شدند و بدین ترتیب ذهن پژوهشگر را به قضایا و گزاره‌های مختلفی سوق دادند. همچنین طی روند مقایسه مدام میان داده‌ها، مفاهیم و مقولات آشکار شد که مشارکت‌کنندگان به طرق مختلف از پدیده محوری سخن می‌گویند، یا از شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و یا از کنش‌ها و اقدامات لازم برای تسهیل آن و نتایج و برونادهای آن سخن می‌گویند. در پی این فرایندها و پیوند دادن مقولات به یکدیگر مدل پارادایمی ترسیم شد.

مشارکت‌کنندگان هرکدام به تعبیرهای مختلفی یک مقوله اصلی را بیان می‌نمودند و آن چیزی جز «تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی» نبود که می‌تواند در کلاس‌های متراکم بسیار مثر ثمر واقع شود و آموزش باکیفیت را با خود به ارمغان آورد. جدول ۱ پدیده محوری را نشان می‌دهد.

Table 1. A central phenomenon

جدول ۱. پدیده محوری

مقوله اصلی	Main Category
تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی	

شرایط علی، مجموعه شرایطی هستند که سبب پیدایش پدیده می‌شوند و مستقیماً بر پدیده اثر می‌گذارند و منجر به بروز آن می‌شوند. بر اساس نتایج کدگذاری پژوهش کنش‌های تدریس خوب، خلق محیط و موقعیت یادگیری اثربخش و ارتباط انسانی مؤثر، به‌عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده‌اند و در جدول ۲ قابل مشاهده‌اند. قابل ذکر است که با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان برای تسریع و توسعه هرچه بهتر این شرایط علی نیازمند راهبردهایی هستیم که می‌توانند در نقش و عاملیت کنشگران تأثیرگذارند و آن‌ها را تسریع بخشند.

شرایط زمینه‌ای، شرایطی است که راهبردها تحت آن، به اداره، کنترل و پاسخ به پدیده می‌پردازند. مجموعه‌ای از شرایط که در یک مکان و زمان خاص جمع شده تا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل و تعامل‌هایشان به آن‌ها پاسخ می‌دهند.

جدول ۲. شرایط علی Table 2. Causal conditions

مقوله‌های اصلی Main Categories	مقوله‌های فرعی Sub categories
کنش‌های تدریس خوب (دانش محتوایی و آموزشی معلم)	مدیریت، طراحی و هدف‌گذاری آموزشی ایجاد انگیزه تدریس باکیفیت ارزشیابی کیفی توصیفی به‌مثابه یادگیری
خلق محیط و موقعیت یادگیری اثربخش	محیط عاطفی محیط فیزیکی
ارتباط انسانی سازنده و مؤثر (دانش فراگیران و دانش شخصی- اجتماعی معلم)	

جدول ۳. شرایط زمینه‌ای Table 3. Background conditions

مقوله‌های اصلی Main Categories	مقوله‌های فرعی Sub categories
عوامل تسهیلگر فرآیند تدریس	ابزار کمک‌آموزشی، امکانات و فضای آموزشی امکان تبدیل چالش تراکم به فرصت بهبود تدریس همکاری و مشارکت بیشتر والدین نگرش و مهارت معلم محتوای کتب
عوامل محدودکننده فرآیند تدریس	عوامل مرتبط با طرح‌ریزی و شیوه تدریس عوامل مرتبط با ارزشیابی کیفی توصیفی عوامل مرتبط با جنبه‌های علمی و عملی مدیریت کلاس
محیط و موقعیت یادگیری مدرسه	عوامل فیزیکی مدرسه فضای غیر فیزیکی مدرسه
تأثیر رسانه‌ها و فناوری بر آموزش	
چالش‌های کارکنان مدرسه با اداره آموزش و پرورش	
چالش مدیریت کلاس متراکم	
عوامل مرتبط با نهاد آموزش و پرورش	کمبود منابع سازمانی عوامل نامساعد درون‌سازمانی عوامل برون‌سازمانی

شرایط مداخله‌گر، شرایط وسیع و عامی همچون فرهنگ، فضا و غیره می‌باشند که بر چگونگی فرآیندها و راهبردها اثر می‌گذارند و به‌عنوان تسهیلگر یا محدودکننده راهبردها عمل می‌کنند. شرایط مداخله‌گر پژوهش حاضر از ۶ مقوله اصلی تشکیل شده است که همراه با مقوله‌های فرعی طی جدول ۴ ارائه شده‌اند.

مقوله راهبردها و استراتژی‌ها از ۵ مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی متعدد تشکیل شده‌اند. مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از: شکل‌گیری آموزش مشارکتی و فعال، سازمان‌دهی محیط همه‌جانبه مدرسه، گسترش مشارکت اولیا، توسعه منابع انسانی و راهبردهایی مرتبط با نهاد آموزش و پرورش. در جدول ۵ راهبردها ارائه شده‌اند.

جدول ۴. شرایط مداخله‌گر Table 4. Intervening conditions

مقوله‌های اصلی	Main Categories	مقوله‌های فرعی	Sub categories
عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده			
عوامل محیطی، اجتماعی و فرهنگی مختلف جوامع محلی			
ویژگی‌های دانش‌آموزان نسل الف			
ارتباطات کنشگران اصلی		ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان	
		ارتباط بین کارکنان مدرسه	
		ارتباط و همکاری (دانش‌آموز، کارکنان مدرسه، خانواده)	
بی‌انگیزگی معلمان			
مشارکت کانون‌ها و جوامع محلی			

جدول ۵. راهبردها Table 5. Strategies

مقوله‌های اصلی	Main Categories	مقوله‌های فرعی	Sub categories
شکل‌گیری آموزش مشارکتی و نوین		طراحی و هدف‌گذاری دقیق فعالیت‌های آموزشی	
		مدیریت اثربخش کلاس با مشارکت دانش‌آموزان	
		برقراری تعامل عمیق با دانش‌آموزان	
		توجه به تم تدریس و افزایش انگیزه	
		شکل‌دهی و توسعه آموزش باکیفیت	
		تأکید بر ارزشیابی به‌مثابه یاددهی - یادگیری	
سازمان‌دهی محیط همه‌جانبه مدرسه		مدیریت تراکم دانش‌آموزان	
		پویاسازی محیط فیزیکی و عاطفی کلاس و مدرسه	
		مدیریت و سازمان‌دهی جو همکاری متعهدانه	
گسترش مشارکت اولیا			
توسعه منابع انسانی		مدیریت تخصیص نیرو	
		برنامه‌ریزی، توسعه و سنجش شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان	
		برنامه‌ریزی و توسعه دانش روز دانش‌آموزان	
راهبردهای مرتبط با نهاد آموزش و پرورش			

پیامدها، نتیجه و حاصل فرایندها و تعاملات هستند. در این پژوهش و نظریه، مقوله فراهم‌سازی بستری برای رشد کیفی دانش‌آموزان و تعالی بخشیدن به ویژگی‌های فردی و

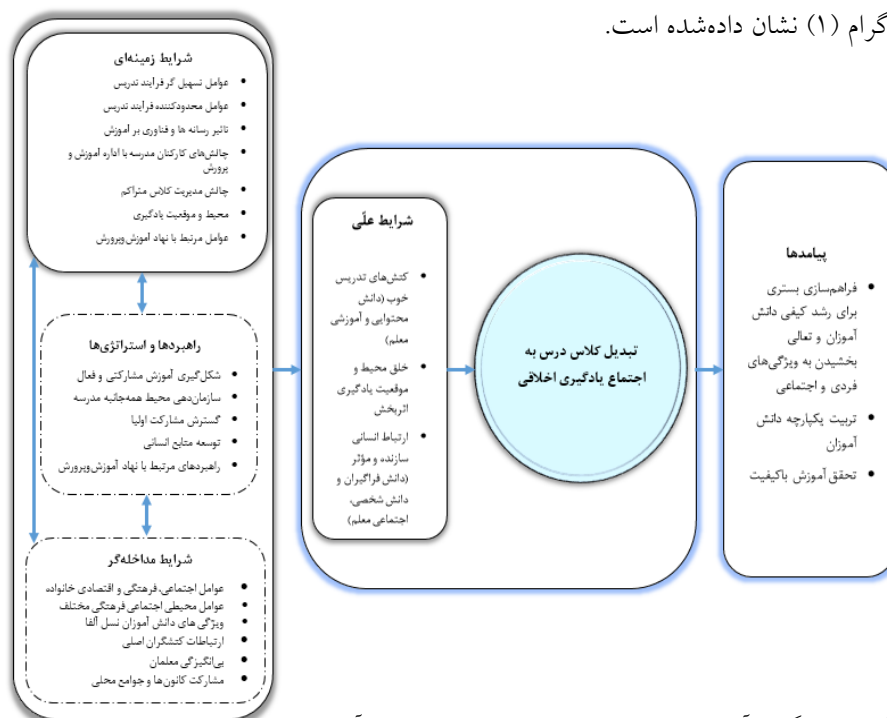
اجتماعی آنان به‌عنوان نتیجه و پیامد حاصل از مدل ارائه‌شده است. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌کنید.

Table 6. Consequences

جدول ۶. پیامدها

مقوله‌های اصلی Main Categories	مقوله‌های فرعی Sub categories
فراهم‌سازی بستری برای رشد کیفی دانش‌آموزان و تعالی بخشیدن به ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان	تربیت یکپارچه دانش‌آموزان تحقق آموزش باکیفیت

در مرحله‌ی کدگذاری انتخابی که همراه با بررسی دقیق داده‌ها و کدبندی دو مرحله‌ی قبلی است، پژوهشگران در عمق داده‌ها به تحلیل پرداخته و آن‌ها را در قالب نظریه‌ی زمینه‌ای و هدف اصلی پژوهش ارائه می‌دهد. طی فرآیند کدگذاری باز و محوری تا به اینجا مجموعه‌ای از مقولات به‌دست‌آمده‌اند. حال نوبت آن است که مقولات را به هم مرتبط سازیم. به بیان دیگر کدگذاری انتخابی، ارتباط مقولات با یکدیگر، میزان تأثیرگذاری و تفسیر آن‌ها می‌باشد که در دیاگرام (۱) نشان داده‌شده است.



دیاگرام ۱. الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزی

Diagram 1. High Quality Model of Education in Dense Student Classrooms

در الگوی حاضر پدیده اصلی، تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی است. مشارکت‌کنندگان توضیح دادند که چگونه یاران و ذینفعان نظام آموزشی به پایش و افزایش کیفیت کلاس درس راه می‌یابند. مشارکت‌کنندگان این پدیده را از طریق شرایط علی آن توضیح می‌دادند و بیان می‌کردند که چه رویدادها و وقایعی در فرآیند شکل‌گیری و بروز این پدیده تأثیر دارند و این فرآیند در کدام زمینه و با چه ویژگی‌ها و در چه بافت و فضایی صورت می‌گیرد و چه تعاملات و کنش‌هایی (مداخلات و راهبردهایی) می‌تواند در این فرآیند اثر بگذارد. همان‌طور که در مدل قابل‌مشاهده است، میان راهبردها و شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و نیز میان شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، رابطه‌ای متقابل وجود دارد و همه‌ی این‌ها باهم بر کادر وسط یعنی پدیده محوری و شرایط علی آن تأثیر می‌گذارند و بدین ترتیب پیامدهایی را با خود به ارمغان می‌آورند.

سخن از اجتماع یادگیری اخلاقی شد، در این اجتماع یادگیری دانش‌آموزان و معلم به‌عنوان کنشگران اصلی حضور دارند که معلم باید بتواند دانش‌آموزان را نسبت به یادگیری دغدغه مند کند، آن‌ها را درگیر فعالیت‌های یادگیری سازد و دانش‌آموزان نیز باید مسئولیت و مدیریت یادگیری خودشان را بر عهده بگیرند و احساس کنند که نسبت به یادگیری مسئول هستند. البته که در این مسیر معلم و مدرسه تنها نیستند و عوامل دیگری نیز آن‌ها را همراهی می‌کنند. حال اگر بخواهیم این احساس مسئولیت را توسعه دهیم باید وجه اخلاقی کلاس درس را افزایش دهیم؛ یعنی وقتی بتوانیم کلاس درس را به یک اجتماع اخلاقی تبدیل کنیم، آن‌وقت دانش‌آموزان نسبت به یادگیری خودشان و دوستانشان احساس مسئولیت می‌کنند. در واقع تصویری که یک معلم از آموزش و پرورش دارد اهداف آموزش و پرورش را نمایان می‌کند. آنگاه معلم هنگام آموزش به دانش‌آموزان تصمیم می‌گیرد که چه چیز را و چگونه به دانش‌آموزان منتقل کند که رشد فکری و عقلی آن‌ها را در برداشته باشد. در این راستا وقتی معلم بتواند دانش‌آموزان را خود راهبر و هم راهبر در یادگیری تربیت کند قطعاً آموزشی باکیفیت در کلاس درس تحقق خواهد یافت. شایان‌ذکر است که نشانه و نماد این موضوع را در ارزشیابی کیفی توصیفی، تحت عنوان خود سنجی و همسال سنجی شاهد هستیم.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش ارائه الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزان دوره

ابتدایی شهر قزوین بوده است. پس از انتخاب رویکرد پژوهش کیفی و روش نظریه‌مبنایی با توجه به ماهیت و هدف پژوهش و در راستای پاسخ به سؤال پژوهش که الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزان ابتدایی شهر قزوین چگونه است و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن کدام‌اند، پدیده محوری، شرایط (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر)، راهبردها و استراتژی‌ها و پیامدها شناسایی شدند و مدل پارادایمی ترسیم شد.

مدل پارادایمی که در نتیجه این مطالعه تهیه شده است، نشان می‌دهد که شرایط علی (کنش‌های تدریس خوب، خلق محیط و موقعیت یادگیری اثربخش و ارتباط سازنده و مؤثر)، باعث بروز تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی می‌شوند. همچنین با توجه به یافته‌ها موجبات علی پدیده تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی، در شرایط خاص زمینه‌ای شکل می‌گیرند. علاوه بر این از نظر مصاحبه‌شوندگان هرچند پدیده تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی ناشی از شرایط علی و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای است، ولی در این میان نقش عاملیت انسانی و کنشگران در آن‌ها پررنگ است و نباید آن‌ها را نادیده گرفت. با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان عاملیت‌های انسانی و کنشگران با مداخلات و راهبردهای خود می‌توانند این فرایند را تسریع و تسهیل دهند. درواقع می‌توان گفت کنشگران فردی (معلم، دانش‌آموز، اولیا و ...) و یا کنشگران گروهی (جوامع مختلف، نهاد آموزش و پرورش و ...) به‌عنوان کارگشایان و میانجی تغییر عمل می‌کنند. چه‌بسا اگر این کنشگران در کاستی‌های ساختارهای محیطی و زمینه‌ای به حال خود رها شوند، هرگز اجازه فراهم آمدن موجبات علی لازم را برای توسعه اجتماع یادگیری اخلاقی ندهند. در این صورت است که اهمیت مداخلات و اهمیت راهبردها و استراتژی‌ها نمایان می‌شود و از این طریق است که افراد دست‌به‌کار می‌شوند و با طرح و اقدامات خود برای تحقق یک اجتماع یادگیری اخلاقی تسریع‌سازی و زمینه‌سازی می‌کنند تا در نهایت بستری برای رشد کیفی دانش‌آموزان و تعالی بخشیدن به ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان فراهم شود.

ادغام دو مؤلفه کنش‌های تدریس خوب و ارتباط انسانی سازنده و مؤثر به‌عنوان شرایط علی را می‌توان تحت عنوان دانش‌پداگوژی محتوا نام برد. دانش‌پداگوژی محتوا بخش مهمی از پایگاه دانش برای تدریس است. در این راستا می‌توان به دیدگاه (Shulman, 1987) و (Cochran et al, 1993) استناد ورزید. (Obaydullah & Shahnewaz, 2020) به این نتیجه

دست یافتند که معلمان متخصصانی هستند که مستقیماً یادگیری دانش‌آموزان را در کلاس‌های متراکم تسهیل می‌کنند.

شرایط زمینه‌ای الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزی عبارت‌اند از: عوامل تسهیل‌گر و محدودکننده فرآیند تدریس؛ تأثیر رسانه‌ها و فناوری بر آموزش؛ چالش‌های کارکنان مدرسه با اداره آموزش و پرورش؛ چالش مدیریت کلاس متراکم؛ محیط و موقعیت یادگیری مدرسه و عوامل مرتبط با نهاد آموزش و پرورش.

عوامل تسهیل‌گر فرآیند تدریس عبارت‌اند از: ابزار کمک‌آموزشی، امکانات و فضای آموزشی؛ امکان تبدیل چالش تراکم به فرصت بهبود تدریس؛ همکاری و مشارکت بیشتر والدین؛ نگرش و مهارت معلم و محتوای کتب. (Obaydullah & Shahnewaz (2020 دریافتند که طبق نظر اکثر معلمان (۷۰٫۵۹٪)، معلمان کلاس‌های متراکم باید از وسایل کمک‌آموزشی مناسب به‌طور مؤثر استفاده کنند که می‌تواند کیفیت آموزش را بهبود بخشد و باید برحسب نیاز تعداد دانش‌آموزان، وسایل کمک‌آموزشی مدرن و کافی را فراهم کرد.

تبدیل چالش تراکم به فرصت بهبود تدریس، مؤلفه‌ای است که با مدیریت خوب می‌تواند به‌عنوان تسهیلگر آموزشی عمل کند. (Lloyd-Strovas (2015 بیان می‌کند کلاس‌های متراکم هم‌افزایی خاص خود را دارند، جایی که دانش‌آموزان از هر زمینه‌ای دوره‌هم جمع می‌شوند و مجموعه‌ای از دانش را تشکیل می‌دهند و این هم‌افزایی پویا است. (Mehrbaani (2018 بیان می‌کند با افزایش شمار دانش‌آموزان، فضای رقابت میان آن‌ها تشدید می‌شود و بیشتر برای کسب رتبه‌های بالاتر تلاش می‌کنند.

عوامل محدودکننده فرآیند تدریس عبارت‌اند از: عوامل مرتبط با طرح‌ریزی و شیوه تدریس، عوامل مرتبط با ارزشیابی کیفی توصیفی و عوامل مرتبط با جنبه‌های علمی و عملی مدیریت کلاس. نداشتن طرح درس و برنامه‌ریزی آموزشی، عدم توجه کافی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، استفاده بیشتر از روش سخنرانی به دلیل تراکم و حجم بالای کتب از مفاهیم اولیه‌ای هستند که به‌عنوان محدودکننده فرآیند تدریس شناسایی شدند. (Obaydullah & Shahnewaz اظهار داشتند که معلمان باید از طرح درس ویژه برای کلاس متراکم استفاده کنند. اگرچه نوشتن برنامه‌ریزی درسی ممکن است خسته‌کننده و زمان‌بر باشد، اما این مسئله باعث ایجاد اعتماد به نفس و نظم کاری معلم شده و باعث می‌شود تا هیچ موضوع

مهمی فراموش نشود و وقت آموزشی کلاس به هدر نرود (Beyabangard, 2021). شرایط مداخله‌گر شامل گروهی از مقوله‌ها هستند که بر راهبردها اثر می‌گذارند و می‌توانند سبب تسهیل یا محدودیت آن شوند. شرایط مداخله‌گر که در جدول (۵) ارائه شده‌اند، ماهیتاً به صورت اقتضایی ظاهر می‌شوند. از این رو، نحوه پاسخگویی به این نوع شرایط نیز به صورت اقتضایی و بسته به موقعیت صورت می‌گیرد.

ویژگی‌هایی نظیر علاقه‌مندی به یادگیری فردی و تنوع طلب، افرادی فردگرا و خودمحور، تأثیرپذیری بیشتر از رسانه‌ها و فضای مجازی، نداشتن حضور شناختی در کلاس و ارتباطات دیداری به عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر از ضروریات یک برنامه‌ریزی آموزشی سازنده است. پژوهش Yousefi Hamedāni et al (2021) نشان می‌دهد که توجه به تفاوت‌های نسلی، به ویژه نسل نوظهور آلفا، در کشورمان از منظر بررسی دلالت‌های آن برای محیط‌های آموزش و یادگیری مغفول مانده است.

ارتباطات کنشگران اصلی به عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر دیگر می‌تواند نقشی اساسی داشته باشد. (Osai et al. (2021 بیان می‌کنند که در کلاس‌های پرجمعیت، معلمان اغلب از رویکردهای مختلفی مانند ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموزان، ارتقای مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های تحصیلی استفاده می‌کنند. (Blatchford and Russell (2020 اظهار داشتند ادبیات روان‌شناختی آموزشی و دلایل قوی برای این استدلال وجود دارد که روابط معلم و شاگرد بخش کلیدی تدریس موفق در کلاس‌های متراکم است. (Jabarooti and Bagherimajd (2023 برای دستیابی به اصلاحات نوآورانه و خلاقانه، مشارکت همه ذینفعان از جمله والدین و جوامع ضروری است. مدیران با ارزیابی کار معلمان و تشویق و تقدیرات مورد نظر در جهت بهبود یادگیری و توسعه حرفه‌ای معلمان قدمی برداشته و با عنایت بر اجرای مهارت‌های زندگی در بهبود و تسهیل یادگیری در دانش‌آموزان تلاش کرده‌اند (mansouri aval et al., 2021).

بر طبق الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم مستلزم اتخاذ راهبردها و استراتژی‌های مناسبی هستیم که عبارت‌اند از: راهبردهایی در خصوص شکل‌گیری آموزش مشارکتی و فعال، سازمان‌دهی محیط همه‌جانبه مدرسه، گسترش مشارکت اولیا، توسعه منابع انسانی و راهبردهایی مرتبط با نهاد آموزش و پرورش.

شکل‌گیری آموزش مشارکتی و فعال، شامل شش مقوله فرعی است که در بخش یافته‌ها به

تفصیل ارائه شده‌اند. این یافته‌ها با پژوهش (Thoyibi et al (2021), Osai et al (2021), Marchant & Morgan (2016) و Brady (2013) برای موفقیت در کلاس‌های متراکم مطابقت دارد.

افزایش میزان درگیر سازی دانش‌آموزان در یادگیری عاملی است که در کیفیت یادگیری کلاس درس تأثیرگذار است. (Osai et al (2021) بیان می‌کنند که درگیر کردن یادگیرندگان درست از زمان آغاز تدریس، در آموزش و مدیریت موفق کلاس‌های متراکم بسیار مهم است. (West & Meier (2020) بیان می‌کنند که در آغاز هر دوره، دانش‌آموزان را بلافاصله در فعالیت‌ها درگیر و وادار کنید. (Esfijani & Faraji (2022 انگیزش عمقی در دانش‌آموزان اشاره به اهداف عمیق و سطح بالایی در یادگیری دارد.

تغییر فرهنگ کلاس به مسئولیت‌پذیری بیشتر نسبت به یادگیری عامل دیگری در توسعه آموزش باکیفیت است. (Senemoglu (2011 بیان می‌کند مسئولیت یادگیری، پایه یادگیری مسئولیت‌های دیگر را شکل می‌دهد. مسئولیت‌پذیری یک مفهوم کلیدی در توسعه خط‌مشی‌های یادگیری مادام‌العمر است که می‌تواند در کلاس‌های متراکم همانند یک اکسیر ما را یاری کند. راهبرد دیگر، تأکید بر ارزشیابی به‌مثابه یاددهی - یادگیری است. برخی از راهبردهای که مشارکت‌کنندگان برای موفقیت در کلاس‌های متراکم اشاره داشتند، عبارت‌اند از: آشنایی و تسلط محتوایی و دانش معلم در خصوص روش‌های سنجش فرایندی و ابزارهای ارزشیابی کیفی توصیفی، ارائه بازخورد خوب و سازنده، توجه به هدف اصلی پوشه کار، توجه به خودسنجی و همسال سنجی، استفاده از پرسش‌های پیگیر، آزمونک‌ها و آزمون‌های عملکردی، تکالیف درسی خلاق، پرسش‌های گروهی. نتایج و یافته‌های این بخش با پژوهش Marchant & Morgan (2016) و Brady (2013) مطابقت دارد.

پدیده محوری تبدیل کلاس درس به اجتماع یادگیری اخلاقی شناسایی شد. دانش‌آموزان و معلمان به‌عنوان کنشگران اصلی در این اجتماع یادگیری حضور دارند که معلم باید بتواند دانش‌آموزان را نسبت به یادگیری دغدغه مند و آن‌ها را درگیر فعالیت‌های یادگیری بسازد و دانش‌آموزان نیز باید مسئولیت و مدیریت یادگیری خودشان را بر عهده بگیرند و احساس مسئول کنند. همان‌طور که در الگو نیز شاهد آن بودیم عوامل دیگری هم کنشگران اصلی را همراهی می‌کنند. همچنین استدلال کردیم که اگر بخواهیم این احساس مسئولیت را توسعه دهیم باید وجه اخلاقی کلاس درس را افزایش دهیم.

مشکلی که ما در اینجا مطرح می‌کنیم این است که تصمیم‌های آموزشی اغلب با توجه کمی به حداکثر رساندن پتانسیل آموزشی در کلاس‌های متراکم انجام می‌شود. همان‌طور که دیدیم، اغلب آن‌ها با همان روش‌های قبلی، در هراندازه کلاسی ادامه می‌دهند (Blatchford & Russell (2020). آخرین حلقه از الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزان ابتدایی مقوله‌ی فراهم‌سازی بستری برای رشد کیفی دانش‌آموزان و تعالی بخشیدن به ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنان است که در راستای تبدیل کلاس درس به جامعه یادگیری اخلاقی و شکل‌گیری آموزش باکیفیت، مشارکتی و فعال ایجاد می‌شود. در صورتی که دانش‌پداگوژیکی معلم بالا باشد و از مواردی که تا به اینجا ذکر شدند بتواند بیشترین بهره را ببرد (با آنکه تحقق این موارد یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد و نیازمند تمرین و ممارست می‌باشد) و به دلیل آنکه دانش‌آموزان در کلاسی با تعداد زیاد از دوستانشان همراه هستند، مهارت‌های اجتماعی‌شان تقویت می‌شود و در این کلاس ساخته می‌شوند، آنگاه در چالش‌های اجتماعی موفق‌تر عمل می‌کنند و تفکر انتقادی‌شان بالاتر می‌رود، این‌ها نکات مثبتی است که وجود دارد و ما فقط نمی‌توانیم نکات منفی را ببینیم.

اطمینان داریم که اگر راهبردهای پیشنهادی اجرا شوند، می‌توانند محیط کاری معلمان را با ارائه حمایت و کمک کافی در مواجهه با چالش‌های کلاس‌های متراکم بهبود بخشند و آموزش باکیفیت را به همراه داشته باشند. همچنین می‌توانند عوامل استرس‌زای احتمالی که منجر به رفتار مشکل‌ساز در دانش‌آموزان می‌شوند را کاهش دهند و در نتیجه محیط یادگیری بهتری را برای فراگیران ایجاد کند. موضوع حائز اهمیت این است که در اجرای مدل باید توجه داشته باشیم، برای پیاده‌سازی هر کدام از این مقولات مجموعه‌ای از اقدامات و راه‌کارهای مختلف و مقوله‌های فرعی بیان‌شده‌اند که باید در کنار یکدیگر صورت‌پذیرند و نقش عاملیت انسانی و کنشگران اصلی در آن‌ها پررنگ است.

با توجه به اهداف و اقداماتی که در راستای تحقق هرچه بهتر اهداف پژوهش صورت گرفته، می‌توان گفت محدودیتی در این پژوهش مشاهده نشده است. با توجه به تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود از روش‌های تدریس مشارکتی و فعال با استفاده از گروه‌های آموزشی (شامل دانش‌آموزان قوی و ضعیف) به منظور تقویت مهارت‌های تعاملی دانش‌آموزان و کار گروهی، بیشتر استفاده نماییم. روش تدریس سخنرانی فعال همراه با فرصت پرسش و پاسخ

از سوی دانش‌آموزان، به‌منظور درک عمیق مطالب و انگیزه بیشتر برای توجه به ادامه مطالب را بیشتر بکار بریم. داشتن طرح درس منسجم و امضای تدریس انعطاف‌پذیر با توجه به اهداف، تفاوت‌های فردی (توانایی، نیاز و علاقه دانش‌آموزان)، ساخت شناختی دانش‌آموزان و فضای کلاسی بسیار تأثیرگذار است. استفاده از پیش‌آزمون برای تعیین سطح نظری دانش‌آموزان و شناسایی و برطرف کردن مشکلات پایه‌ای دانش‌آموزان با کمک دانش‌آموزان قوی و خیرین آموزشی جهت جلوگیری از تکرار مطالب و صرفه‌جویی در وقت راهکار دیگری است. استفاده از ارزشیابی حین و پس از تدریس بخصوص از دانش‌آموزان حواس‌پرت و ضعیف می‌تواند نافع واقع گردد. ارائه بازخوردهای کلامی و نوشتاری به‌موقع و توسعه بازخوردها در کلاس‌های متراکم جهت بهبود فرآیند یادگیری بسیار حائز اهمیت است. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت کارآمد با محوریت ارتقاء شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان، سواد دیجیتال آن‌ها و تقویت بدنه پژوهشگری، تدوین استانداردهایی برای ارزیابی و سنجش شایستگی‌های تدریس معلمان جهت آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم می‌تواند کمک‌کننده باشد. شفاف‌سازی اهداف و برنامه‌ها برای اولیا در جلسه آغازین سال تحصیلی و یاری خواستن از آن‌ها، تعریف قرارداد برای آگاهی بخشیدن به اولیا در مورد بازخوردهای توصیفی، برگزاری جلسات ماهانه و موردی با اولیای دانش‌آموزان ضعیف در کلاس‌های متراکم ضروری است. تلاش هرچه بیشتر مدیران برای ایجاد محیط و جو مثبت و حمایتی در مدرسه، تلاش مدیران و متصدیان نظام آموزشی برای فراهم کردن تجهیزات آموزشی و تجهیز محیط فیزیکی نیز می‌تواند در تحقق آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم کمک کنند.

همچنین انجام پژوهش‌هایی در زمینه‌ی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزان ابتدایی مناطقی با گویش‌های محلی، موانع و چالش‌های اجرایی شدن الگوی آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم دانش‌آموزی، لحاظ کردن جنسیت دانش‌آموزان و دوره اول و دوم ابتدایی برای تحقق آموزش باکیفیت در کلاس‌های متراکم، می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر نویسنده دوم، به‌عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده سوم، به‌عنوان استاد مشاور پایان‌نامه، انجام شد.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ موسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

تشکر و قدردانی: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدین‌وسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

References

- Agnihotri A K (2017) Quality in primary and secondary education *Scholarly Research Journal for Humanity, Science & English Language*, 4(21), 4078-4884. DOI:10.5539/ies.v16n2p128
- Beyabangard, I. (2021). *Educational psychology* (psychology of teaching and learning). Tehran: Virayesh. [Persian]
- Blatchford P & Russell A (2020) *Rethinking Class Size: The complex story of impact on teaching and learning*. Available to download free: www.uclpress.co.uk
- Blatchford, P., Bassett, P., Brown, P., & Webster, R. (2009). The effect of support staff on pupil engagement and individual attention *British Educational Research Journal*, 35(5), 661-686. Doi: 10.1080/01411920902878917
- Brady, B. (2013). Essential strategies for teaching large classes. *TESOL Connections*. http://newsmanager.commpartners.com/tesol/downloads/features/2013/2013-08_large%20classes_brady.pdf
- China, L. (2018, September 13). Anger grows in China over school crowding. Retrieved September 28, 2020. from <https://www.economist.com/china/2018/09/13/anger-grows-in-china-over-school-crowding>
- China, X. (2016, March 29). Chinese urban schools strive to 'slim' oversize classes. Retrieved September 28, 2020. from https://www.chinadaily.com.cn/china/201603/29/content_24167862.htm
- Cochran, K. F., DeRuiter, J. A., & King, R. A. (1993). Pedagogical content knowing: An integrative model for teacher preparation *Journal of Teacher Education*, 44(4), 263-272. <https://doi.org/10.1177/0022487193044004004>
- Donnelly, K. (2019, October 16). *Cram school: Two-thirds of primary school pupils stuck in overcrowded classrooms*. Irish News. <https://www.independent.ie/irish-news/education/cram-school-two-thirds-of-primary-school-pupils-stuck-in-overcrowded-classrooms-38316566.html>

- Esfiani, A., & Faraii, M. (2022). Investigate the effects of inquiry-based science education integrated with mobile technology on the academic achievement of fifth-grade elementary students, with the mediating role of academic motivation. *Journal of Educational Sciences*, 29(2), 127-146. Doi: 10.22055/edus.2022.38895.3291 [Persian]
- Filges, T., Sonne-Schmidt, C. S., & Nielsen, B. C. V. (2018). Small class sizes for improving student achievement in primary and secondary schools: a systematic review. *Campbell Systematic Reviews*, 14(1), 1-107. Doi: 10.4073/csr.2018.10
- Hachem, H., & Mayor, P. (2019, October 04). Overcrowding in schools: Why is it a huge Issue? Retrieved September 28, from <https://patch.com/michigan/dearborn/overcrowding-schools-why-it-huge-issue>
- Hakimzadeh, Z. (2019, October 25). The number of students in each elementary class was determined. Retrieved October 25, from <https://www.titrebartar.com/fa/news/118930> [Persian]
- Jabarooti, N., & Bagherimajd, R. (2023). Canonical analysis of lifelong learning on teachers' professional development. *Journal of Educational Sciences*, 30(1), 127-144. Doi:10.22055/edus.2022.42154.3399 [Persian]
- Jepsen, C. (2015). Class size: does it matter for student achievement? *IZA World of Labor*. <https://www.econstor.eu/bitstream/10419/125418/1/iza-wol-190.pdf>
- Lloyd-Strovas, J. (2015). Tips for teaching large classes. *Teaching, Learning, and Professional*. <https://ctl.utexas.edu/sites/default/files/TipsForTeachingLargeClasses.pdf>
- Maloney, K. (2020). "The Effects of Class Size on Student Achievement". *Culminating Projects in Teacher Development*. 48. https://repository.stcloudstate.edu/ed_etds/48.
- Mansouri aval, A., Hosseingholizadeh, R., & Ebrahim Kooshak Mahdi, S. (2021). Exploring the characteristics of successful principals of elementary schools in Mashhad: A case study. *Journal of Educational Sciences*, 28(2), 113-130. Doi: 10.22055/edus.2022.37085.3214 [Persian]
- Marchant M. & Morgan K. L. (2016) Lessons learned from teaching large classes. *NACTA Journal*. 60(4). 446-448. [Morgan/7fd712cdaf1307016af3d390a19a58322f7f216f#paper-topics](https://doi.org/10.1080/00131390.2016.1195832)
- Maringe, F., & Sing, N. (2014). Teaching large classes in an increasingly internationalising higher education environment: Pedagogical quality and equity issues. *Higher Education*, 67, 761-782. DOI:10.1007/s10734-013-9710-0
- Mehrbaani, V. (2018). Student Concentration and Academic Quality in Tehran: Case Study of Fourth Grade. *QJOE*; 34(3), 55-82. Doi:10.1001.1.10174133.1397.34.3.3.7 [Persian]
- Obaidullah, A. K. M., & Shahnewaz, M. (2020). Impact of large class on teaching learning at the primary school of Bangladesh. *SPC Journal of Education*, 3(2), 79-87. DOI: 10.14419/je.v3i1.30593

- Osai, J. A., Ammonsah, K. D., Annadu, E., & Commey-Mintah, P. (2021). Teachers' Experiences with Overcrowded Classrooms in A Basic School In GHANA. *International Online Journal of Primary Education*, 10(1), 73-88.
- Senemoglu, N. (2011). College of education students' approaches to learning and study skills. *Eğitim ve Bilim - Education and Science*, 36(160), 65-80.
- Shirbagi, N., & Saravdari, A. (2022). Representing Teaching-Learning Experiences in Overcrowded Classrooms from Teachers' Viewpoints: A Qualitative Study. *Studies in Learning & Instruction*, 13(2), 262-286. www.magiran.com/p2408721. Doi:10.22099/JSLI.2022.6571 [Persian]
- Shulman, L. (1987). Knowledge and teaching: Foundations of the new reform. *Harvard Educational Review*, 57(1), 1-23. <https://doi.org/10.17763/haer.57.1.j463w79r56455411>
- Thoyibi, M., Hikmat, M. H., & Prasetyarini, A. (2021). Teachers' Perspective on Student's Right to Participation in Classroom Management. *Asian Journal of University Education (AJUE)*, 7(1), 63-73. Doi:10.24191/ajue.v17i1.12602
- UNESCO Institute for Statistics (2020). Ghana: Student teacher ratio, primary school. Retrieved March 21, 2020, from <http://uis.unesco.org/>
- West, J., & Meier, C. (2020). Overcrowded classrooms—the Achilles heel of South African education? *South African Journal of Childhood Education*, 10(1), 1-10. Doi.org/10.4102/sajce.v10i1.617
- Yousefi Hamedani, E., Nasr Isfahani, A., Abedini, Y., & Taheri Demne, M. (2021). The generation gap and teaching and learning strategies at primary school level: A futuristic approach. *Educational Innovations*, 20(4), 149-172. Doi:10.22034/jei.2021.275970.1834 [Persian]
- Zyngier, D. (2014). Class size and academic results, with a focus on children from culturally, linguistically and economically disenfranchised communities. *Evidence Base: A Journal of Evidence Reviews in Key Policy Areas*, (1), 1-24. Doi:10.4225/50/5582118F8790B.

